

شاهنامه ابومنصوری

508-510

خویش، به هنگام تحریر بخشهای راجع به بهرام چوین (که در اصل تاریخ طبری نیست)، بدین کتاب نظر داشته (بهار، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۶)، و نیز گفته‌اند که همین کتاب از مراجع گردیزی در تصنیف زین‌الاحبار* بوده است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۳). ذکر شاهنامه را که، به احتمال، عنوان خاص این مجموعه بوده، در بسیاری از نوشته‌های قدیم می‌توان یافت. این شواهد وجود این کتاب و شهرت روایاتش در آن اعصار را اثبات می‌کند (صفا، ص ۱۰۳-۱۰۵).

گردآورنده این نامه شاهان، ابومنصور محمدبن عبدالرزاق*، از بزرگ‌زادگان طوس بود و به سپهسالار خراسان اشتهار داشت و نسب خود را به پادشاهان باستانی ایران می‌رسانید («متن مقدمه [شاهنامه ابومنصوری]»، ص ۷۳-۷۶). اگرچه از دیرباز در این انتساب تشکیک کرده‌اند، مثلاً ابوریحان بیرونی در کتاب الآثار الباقیه (ص ۳۷-۳۸) این ادعا را معجول و بی‌اساس شمرده است، در دهقان‌زاده‌بودن این امیر خراسانی گویا تردید نیست (درباره او فردوسی سروده است: یکی پهلوان بود دهقان‌نژاد؛ دفتر ۱، ص ۱۲؛ درباره جایگاه دهقان در دهقان*». در مقدمه این شاهنامه، که تنها بخش موجود از آن است و شاید نوشته ابومنصور مُعمری باشد (ص ۱، بهار، ج ۱، ص ۲۸۵)، امیر ابومنصور عبدالرزاق مردی بزرگ و با هنر و فرمانروایی توانا ذکر شده که نژادش از نژاد سپهبدان ایران بوده و وقتی شنیده شاه خراسان دستور کار کللیه‌ودمنه را داده او نیز خواسته است کتابی فراهم آورد که از او یادگار بماند («متن مقدمه [شاهنامه ابومنصوری]»، ص ۳۳-۳۴). از این سطور، اگرچه آمیخته به اغراق و تملقهای رایج درباری به نظر می‌رسد، می‌توان دریافت که ابومنصور عبدالرزاق مهتری نژاده بوده است و به سبب گوهر ایرانی خویش به گردآوری روایات نیاکانش علاقه داشته و از این اقدام بقای ذکر خود را نیز می‌خواسته است.

برای گردآوردن داستانها و تاریخ کهن ایرانی، ابومنصور عبدالرزاق دستور (وزیر) خویش، ابومنصور مُعمری، را مأمور کرد تا دهقانان و فرزندان خراسان را فراخواند و به یاری ایشان، این روایات را از منابع موجود فراهم آورد. از میان این بزرگ‌زادگان و دارندگان کتابهای کهن (خداوندان کتب)، در مقدمه، به نام چند تن تصریح شده است: «چون شجاع پسر خراسانی از هری، و چون یزداناد پسر شاپور از سیستان، و چون ماهوی خورشید پسر بهرام از نیشابور، و چون شادان پسر برزین از طوس» (ص ۳۵). از آنجا که این نامها همه پارسی است، به نظر نولدکه^۱ (ص ۲۷) این افراد، زردشتی

ایرانی به سبب مهاجرت ایرانیان گسترش چشمگیر پیدا کرد و از دوره شهاب‌الدین، فارسی زبان رسمی کشمیر شد (همان، ص ۲۵۳-۲۶۶؛ صوفی، ۱۹۷۹، ص ۲۲۹-۲۳۱).

منابع: بهارستان شاهی: تاریخ کشمیر، [از نویسنده ناشناخته کشمیری]، چاپ اکبر حیدری کشمیری، بدگم، کشمیر: انجمن شرعی، ۱۹۸۲؛ محمداعظم‌بن خیرالدین دیدتری، واقعات کشمیر، ترجمه ظهور شهداد اطهر، سرینگر ۲۰۰۳؛ غلامحسین کهویبهامی، تاریخ حسن، حصه ۲، سرینگر: حکومت جموں و کشمیر، محکمه تحقیق و اشاعت، [بی‌تا]؛ S. R. Bakshi, *Kashmir: history and people*, New Delhi 1997; Mohibbul Hasan, *Kashmir under the sultans*, Calcutta 1959; Ghulam Muhyi'd Din Sufi, *Islamic culture in Kashmir*, New Delhi 1979; idem, *Kashir: being a history of Kashmir, from the earliest times to our own*, Lahore 1948-1949.

/ منیژه ربیعی /

شاهنامه ابومنصوری، شاهنامه‌ای منثور، گردآورده به فرمان ابومنصور عبدالرزاق، حاکم طوس و به اهتمام وزیر وی، ابومنصور مُعمری، در سده چهارم هجری. از این کتاب که از نخستین مجموعه‌های روایات ملی ایران به شمار می‌رود، امروز جز مقدمه‌های برجای نمانده است و این مقدمه همان است که با نام «مقدمه قدیم شاهنامه» شناخته می‌شود و در برخی از نسخ خطی شاهنامه فردوسی*، پیش از آغاز روایات منظوم قرار دارد («متن مقدمه [شاهنامه ابومنصوری]»، مقدمه قزوینی، ص ۵، ۲۱-۲۲). در سده چهارم، گرایش به جمع و تدوین روایات ملی و قصص تاریخی در میان ایرانیان رواج یافت و چندین مجموعه از این داستانها فراهم آمد که از بسیاری از آنها جز نامی نمانده است (ریاحی، ص ۱۳۸). از بین این کتابها شاهنامه ابومنصوری نفوذ و اعتباری خاص یافت به طوری که خود بعدها مأخذ بسیاری کسان، همچون ثعالبی مرغنی مؤلف غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم و فردوسی طوسی، قرار گرفت. ثعالبی در دو موضع از کتاب خویش (ص ۲۶۳، ۴۵۷) از صاحب کتاب شاهنامه سخن گفته است، و تأثیر شاهنامه ابومنصوری بر روایات فردوسی چنان بوده است که پژوهندگانی چون جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار تمام قصه‌های شاهنامه را (ص امیدسالار، ص ۱۳۹) و جلال‌متینی (ص ۴۱۴) بخش اعظم شاهنامه فردوسی را شکل منظوم داستانهای شاهنامه ابومنصوری دانسته‌اند. علاوه بر این دو تن، که تأثیرپذیرفتن ایشان از شاهنامه ابومنصوری مسلم است، احتمال داده‌اند که بلعمی نیز در تاریخ

1. Nöldeke

خصوصی خلیلی در لندن، سه مجلس از موزه هنرهای اسلامی قطر، و یک مجلس از موزه رضا عباسی است (فردوسی، همانجا).

منابع: آیدین آغداشلو، «ماجرای برگرداندن تصاویر شاهنامه شاهی (تیماسبی)»، طاووس، سال ۱، ش ۱ (پاییز ۱۳۷۸)؛ کریم امامی، «بازگشت شاهنامه شاه طهماسبی»، کلک، ش ۵۳ (مرداد ۱۳۷۳ الف)؛ همو، «داستان بازگرداندن شاهنامه شاه طهماسبی، روایت دوم»، همان، ش ۵۸ و ۵۹ (دی و بهمن ۱۳۷۳)؛ حسن حبیبی، «ماجرای بازگرداندن شاهنامه طهماسبی به ایران از زبان دکتر حسن حبیبی»، در زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم دکتر حسن حبیبی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۳؛ یحیی ذکا، «ماجرای خرید شاهنامه شاهی (شاهنامه هوتون)»، کلک، ش ۷۰-۶۸ (آبان - دی ۱۳۷۴)؛ مهدی غروی، «شاهنامه شاه طهماسبی، یا، شاهنامه هوتون»، سیمرخ، ش ۱۲-۱۳ (فروردین ۱۳۷۲)؛ ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه شاه طهماسبی، تهران ۱۳۹۲؛ فکری سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان: تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هنروی، کابل ۱۳۴۹؛ جلال متینی، «ما منارگزیدگان»، منجله ایران‌شناسی، سال ۱۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۸)؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳. ش.

Retrieved Dec. 23, 2018, from http://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/100322;

حسنت مؤید، «سرنوشت غم‌انگیز شاهنامه شاه طهماسبی»، ایران‌نامه، سال ۴، ش ۳ (بهار ۱۳۶۵)؛

Martin Bernard Dickson and Stuart Cary Welch, *The Houghton Shahnameh*, Cambridge 1981; Stuart Cary Welch, *A king's book of kings: the Shahnameh of Shah Tahmasp*, New York 1976.

/ فاطمه ماه‌وان /

شاهنامه فردوسی، بزرگ‌ترین اثر حماسی ادبیات

فارسی و از شاهکارهای حماسی ادبیات جهان سروده ابوالقاسم فردوسی، شاعر ایرانی قرن چهارم و پنجم. شاهنامه مثنوی‌ای در حدود پنجاه هزار بیت در بحر متقارب^۱ مثنی محذوف یا مقصور (فعولن فعولن فعولن / فعلن) است. فردوسی^۲ (متوفی ۴۱۶) از شاهنامه و مأخذ خود بارها به لفظ «نامه» (به دفتر ۱، ص ۱۵-۱۱)، «نامه باستان» (دفتر ۴، ص ۱۷۱، ۱۷۴)، «نامه خسروان» (دفتر ۵، ص ۱۷۵، دفتر ۶، ص ۱۳۹)، «نامه شهریار» (دفتر ۱، ص ۱۱، ۱۸) و نظایر آن نام برده (خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۰)، ولی جایی اثر خود را «شاهنامه» یا

فروش اوراق باقیمانده را به ایران دادند که به علت قیمت پیشنهادی حدود بیست میلیون دلاری آن با مخالفت دولت ایران روبه‌رو شد. برای پیشبرد مذاکرات، اولیور هوار^۱، دلال آثار هنری، پیشنهاد کرد ایران این نسخه را با تابلوی بانوی شماره ۲۳، اثر ویلم دو کونینگ^۲، نقاش هلندی - امریکایی، معاوضه کند (به امامی، ۱۳۷۳ ش الف، ص ۱۱، ۱۹-۲۰؛ متینی، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ فردوسی، همانجا). این تابلو در اواخر دوره پهلوی برای موزه هنرهای معاصر خریداری شده بود، اما پس از انقلاب به سبب مغایرت با شئون اسلامی به نمایش گذاشته نشد. مبادله این دو اثر هنری در شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۷۳ به تصویب رسید و شهر وین برای مبادله برگزیده شد. اکبر تجویدی و شهریار عدل^۳، کارشناسان هنری‌ای بودند که طی مبادله آثار، وظیفه بررسی اصالت نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی را برعهده داشتند. پس از مذاکرات حسن حبیبی، معاون اول رئیس‌جمهور وقت، و طی مراحل امنیتی، سرانجام شاهنامه شاه طهماسبی در ۶ مرداد ۱۳۷۳ از فرودگاه وین به وطن بازگشت و به موزه هنرهای معاصر تحویل داده شد (به امامی، ۱۳۷۳ ش ب، ص ۵۵؛ متینی، ص ۲۴۱؛ حبیبی، ص ۴۳-۴۴؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳ ش).

هم‌اکنون ۲۵۸ نگاره شاهنامه شاه طهماسبی در مجموعه‌های گوناگون موجود است: ۱۱۸ نگاره در موزه هنرهای معاصر، هشت نگاره در موزه هنری متروپولیتن نیویورک، یک نگاره در موزه رضا عباسی، و ۶۱ نگاره به صورت پراکنده در دست مجموعه‌داران متعدد.

نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی تاکنون به صورتهای گوناگون به چاپ رسیده‌است. در ۱۳۵۱ ش/۱۹۷۲ نتایج بررسی‌های استوارت کری ولش، متخصص نقاشی ایرانی و هندی، درباره این نسخه در کتابی با عنوان <شاهنامه شاهی: شاهنامه شاه طهماسب>^۴ به چاپ رسید. در ۱۳۶۰ ش / ۱۹۸۱ نسخه فاکسیمیل^۵ (تصویر برگردان / تصویر همسان با نسخه) شاهنامه با عنوان <شاهنامه هوتن>^۶ با شرح و تحلیل آثار به قلم ولش و مارتین دیکسون و با حمایت دانشگاه هاروارد در دو جلد به چاپ رسید (متینی، ص ۲۳۸-۲۳۹).

شاهنامه شاه طهماسبی در ۱۳۹۲ ش به همت فرهنگستان هنر ایران با گردآوری تصاویر نگاره‌های این نسخه از سراسر جهان به چاپ رسید. این کتاب ۱۷۴ مجلس را دربردارد که شامل ۱۱۸ برگ موجود در ایران، ۳۳ مجلس از موزه هنری متروپولیتن، نه مجلس از بنیاد آقاخان در زوریخ، ده مجلس از مجموعه

1. Oliver Hoare

2. *Woman III*

3. Willem de Kooning

4. *A King's book of kings: the Shahnameh of Shah Tahmasp*

5. Facsimile

6. *The Houghton Shahnameh*